هادی ساعی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»: دوستان ریشه تکواندو را می‌زنند

# پولادگر به‌جای گرفتن دست‌مان، پایمان را گرفته است

■ با تمام قوا ایستاده‌ام و مثل میهماندوست نخواهم رفت

■ خیلی بد است که تکواندو اولویت وزیر ورزش نیست

مهدی منصرف
خبرنگار

هادی ساعی و سیدمحمد پولادگر ۱۵ دی‌ماه سال گذشته به‌عنوان دو رقیب در مجمع انتخاباتی فدراسیون تکواندو حاضر شدند و سرانجام پس از ۲۱ سال ریاست پولادگر در تکواندو کشور، هادی ساعی با کسب ۲۹ رای از ۵۷ رای ماخوذه به‌عنوان رئیس جدید فدراسیون انتخاب شد.

انتخاباتی که البته با حواشی بسیار زیادی همراه بود و همین حواشی باعث شد تا امضای حکم ریاست ساعی از سوی وزیر ورزش و جوانان تا ۲ اسفندماه سال گذشته به درازا بکشد. پس از حضور ساعی در فدراسیون تکواندو و حضور سیدمحمد پولادگر در پست معاون توسعه ورزش حرفه‌ای وزارت ورزش و جوانان انتظار می‌رفت که این رقابت به پایان برسد و مانند دوران قهرمانی ساعی و ریاست پولادگر شاهد همکاری این دو چهره تکواندویی ورزش کشور باشیم. تصوری که خیلی زود نقش بر آب شد و تنش‌های میان این دو تقریبا در یک سال گذشته همواره وجود داشت و فقط در روزهایی حکم آتش‌زیر خاکستر را داشته است که با وزش بادی در مقاطعی شعله‌ور شده. در روزهای گذشته و به دنبال صحبت‌های هادی ساعی در نشست خبری فدراسیون تکواندو مبنی بر کارشکنی سیدمحمد پولادگر در پرداخت بودجه این فدراسیون و به دنبال آن صحبت‌های پولادگر پس از مجمع انتخاباتی فدراسیون اسکواش شاهد اوج‌گیری دوباره اختلاف رئیس فعلی و گذشته فدراسیون تکواندو بودیم.

بعد از موضع‌گیری‌های علیرضا دبیر، رئیس فدراسیون کشتی علیه پولادگر، حالا هادی ساعی نیز اعتقاد دارد کمک ۲۰ میلیاردی مجلس به این رشته باید جدا از بودجه فدراسیون تکواندو از طرف وزارت ورزش و جوانان پرداخت شود. موضوعی که مورد قبول سیدمحمد پولادگر نیست و معتقد است با وجودی که این کمک‌ها از محل تبصره ۱۴ بوده است، اما مجلس این مبالغ را نیز در بودجه وزارت ورزش و جوانان در نظر گرفته است.

اتفاقات اخیر باعث شد که هادی ساعی، رئیس فدراسیون تکواندو و پرافتخارترین المپین ورزش کشور در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به‌شدت علیه پولادگر موضوع گرفته و حتی از بی‌تفاوتی وزیر ورزش و جوانان نسبت به این موضوع ابراز تاسف کند. گفت‌وگوی ساعی را در ادامه بخوانید.

///

**فکر می‌کنید چه زمانی قرار است فدراسیون تکواندو و وزارت ورزش و جوانان درخصوص امضای تفاهمنامه سال جاری به توافق برسند؟**

عدم تفاهم یک بحث است و دخالت برخی آدم‌ها در وزارت ورزش و جوان یک بحث دیگر است. سال ۱۴۰۱ رو به اتمام است و تنها سه ماه به پایان سال باقی مانده است، اما همچنان بحث بودجه فدراسیون تکواندو و امضای تفاهمنامه با وزارت ورزش ادامه دارد. نمی‌دانم چرا دوستان با ورزش تکواندو که مدعی متولی بودن آن و ادعاهایی دیگر هستند این گونه رفتار می‌کنند و ریشه این رشته را می‌زنند و خشک می‌کنند. خیلی بد است که وزیر ورزش اطلاعی از رفتارها و بلاهایی که زیرمجموعه خود سر فدراسیون تکواندو می‌آورند نداشته باشد.

**در این مدت هیچ تماسی از سوی سجادی، وزیر ورزش با شما گرفته نشد تا این مشکل به پایان برسد؟ موضوعی که شاید با برگزاری جلسه‌ای منجر به حل مشکل می‌شد؟**

هیچ تماسی در این مدت با من نگرفتند. واقعا وزیر ورزش نمی‌داند چه اتفاقاتی در حال افتادن است؟ اگر این موضوع را نداند که خیلی بد است و اگر می‌داند و به روی خودش نمی‌آورد یا تکواندو جزء اولویت‌هایش نیست که واقعا دیگر نمی‌دانم باید چه کار کنیم.

**شما تا به حال استدلال پولادگر درخصوص این اختلاف را با مجلس به‌عنوان نهادی که این کمک را برای تکواندو در نظر گرفته است مطرح کردید؟**

اصلا نمی‌خواهم موضوع خانواده ورزش را به جای دیگر بکشانیم. این موضوع در ورزش است و باید در خود آن حل شود.

**اگر مجلس کمک ۲۰ میلیارد تومانی را به تکواندو اختصاص نداده بود، بودجه سال ۱۴۰۱ فدراسیون تکواندو چقدر بود؟**

ظاهرا قرار بوده که ۲ میلیارد تومان باشد و واقعا نمی‌دانم چه استدلالی دوستان دارند. پولادگر با همین استدلال‌ها باعث شد که میهماندوست و خیلی‌های دیگر از ایران بروند. در حالی که قرارداد میهماندوست با فدراسیون تکواندو پیش از المپیک ۲۰۱۲ لندن ماهیانه ۳ میلیون تومان بود. از طرف کمیته ملی المپیک برای او و برخی دیگر از مربیان ۵ میلیون تومان در ماه در نظر گرفته شد، اما پولادگر حقوق ۳ میلیونی فدراسیون را قطع کرد و فقط ۵ میلیون کمیته المپیک را پرداخت می‌کرد. موضوعی که درنهایت منجر به رفتن میهماندوست شد.

**احتمال دارد با این اتفاقات شما نیز از فدراسیون تکواندو بروید؟**

مطمئن باشند که من نخواهم رفت و با تمام قوا ایستاده‌ام تا از حق تکواندو دفاع کنم. خیلی بد است که امروز باید با آدم‌های تکواندویی بجنگم. اگر رشته یا افراد دیگر بودند به نظر خیلی راحت‌تر کار خود را انجام می‌دادم. همیشه حرمت و احترام گذاشتم، اما به نظر می‌رسد دوستان احساس می‌کنند که می‌ترسیم یا عرضه نداریم و جور دیگری برداشت کردند.

**با توجه به اینکه شما و پولادگر هر دو از خانواده تکواندو هستید توقع می‌رفت با برگزاری جلساتی در اتاق دربسته خیلی زودتر مشکل حل شود، اما به نظر فاصله بین شما و پولادگر خیلی زیاد است؟**

چهار سال در کمیته ملی المپیک بودم و هر جا که توانستم برای تکواندو تلاش کردم و تعصب تکواندویی داشتم و کمک کردم. انتظار داشتم با حضور پولادگر در وزارت ورزش و جوانان این اتفاق از طرف ایشان هم بیفتد، اما متاسفانه آدم‌های اطراف او هستند که مشاوران خوبی نیستند.

**اعتقاد دارید که اگر این افراد نبودند مشکلات زودتر حل می‌شد؟**

بله همین‌طور است. همیشه به پولادگر احترام گذاشتم و حرمت بزرگ‌تری و زحماتی که برای تکواندو کشید را رعایت کردم. به واسطه سال‌ها حضور در کنار پولادگر، او را به خوبی می‌شناسم، اما به نظر برای ایشان خیلی سخت است که ساعی رئیس فدراسیون شده است. اگر با من مشکل دارد بهتر است مشکل شخصی‌مان را حل کنیم ولی تکواندو را فدای خواسته‌های شخصی نکنیم. از روزی که آمدم هر روز برای تکواندو یک داستان و مشکل درست می‌کنند. به جای اینکه دست ما را بگیرند، فعلا پای ما را گرفتند.

**تا چه زمانی فکر می‌کنید این داستان ادامه داشته باشد؟**

سفت و محکم می‌ایستم. در روزهای گذشته استیضاح وزیر ورزش مطرح بود و نمی‌خواستم قبل از این اتفاق حرف بزنم تا بگویند فلانی باعث این اتفاق شد. کسی بودم که قبل از حضور سجادی در مجلس برای رای اعتماد، از حضور او حمایت و استقبال کردم و این اتفاق نیز فقط به خاطر ورزشی بودنش بود. به خاطر این حمایت توقع بیشتری نداشتم و فقط چون قرار بود یک آدم ورزشی در راس کار باشد از این اتفاق حمایت کردم. امروز نیز اگر صحبت می‌کنم به خاطر یک خانواده یک میلیون نفری پرافتخار است، اما متاسفانه آقای وزیر، تکواندو را جزء اولویت‌های خود نمی‌داند. کوتاه نخواهم آمد و بهتر است آقایان انرژی خود را برای تماس با این و آن و پرونده‌سازی نگذارند و وقت و انرژی خود را برای کارهایی که باید انجام بدهند، بگذارند.

---

گزارش

نمایش خوب در مهم‌ترین تورنمنت فوتبال دنیا تضمین کننده انتقالی موفق نیست

# خریدهای ناکام پس از جام جهانی

مسعود خاموشی
خبرنگار

جام جهانی بهترین محل برای درخشش ستاره‌ها و پدیده‌های جدید دنیای فوتبال است و معمولا استعدادیاب‌های باشگاه‌های بزرگ و ایجنت‌ها با دقت این رقابت‌ها را زیر نظر دارند تا ستاره‌های این رقابت‌ها را در فصل نقل‌وانتقالات شکار کنند. اگرچه در دوره‌های قبل این تورنمنت در پایان فصل و در آستانه شروع نقل‌وانتقالات تابستانی برگزار می‌شد و بازیکنانی که در آنجا می‌درخشیدند شرایط بهتری برای جابه‌جایی داشتند، اما در دوره اخیر در قطر این روند تغییر کرد و رقابت‌ها برای نخستین بار در پاییز و پیش از پنجره زمستانی برگزار شد. اگرچه معمولا در نیم‌فصل شاهد جابه‌جایی‌های بزرگ نیستیم و کمتر پول‌های کلانی رد و بدل می‌شود اما برگزاری جام جهانی و عملکرد فراتر از انتظار برخی بازیکنان، آنها را در رادار تیم‌های مدعی فوتبال اروپا قرار داده است. البته همیشه درخشش در این تورنمنت تضمین کننده نمایش خوب آنها در تیم‌های باشگاهی خود نیست و بارها اتفاق افتاده که انتقال بازیکنان موفق در جام جهانی درنهایت خوب پیش نرفته است. در ادامه نگاهی به ۱۰ جابه‌جایی مهم ستاره‌های جام‌های جهانی خواهیم داشت که نتوانستند در تیم‌های باشگاهی جدید خود موفق باشند.

## آلبرتو تارانتینی (بوکا جونیورز به بیرمنگام، ۱۹۷۸)

در شروع این فهرست به سراغ یکی از برندگان جام جهانی ۱۹۷۸ می‌رویم. بازیکنی که برای درخشش راهی فوتبال انگلیس شد، اما حواشی زیادی از جمله حمله به یک هوادار خودی داشت و درنهایت بازیکن موفقی در تیم جدیدش نبود. تارانتینی که در پست دفاع چپ بازی می‌کرد پیش از شروع جام جهانی قراردادش با بوکا جونیورز را به‌دلیل رفتارهای نه‌چندان خوبش فسخ کرد و بدون تیم ماند. او اما در جام جهانی نمایشی عالی داشت و در قهرمانی تیمش در این تورنمنت نقش داشت. همین موضوع باعث شد تا بیرمنگام‌سیتی که در آن زمان در سطح اول لیگ انگلیس بازی می‌کرد و فصل قبل یازدهم شده بود او را به‌خدمت بگیرد. داستان تارانتینی و بیرمنگام چندان طولانی نشد و او فقط ۲۳ بازی در ترکیب اصلی این تیم قرار گرفت و یک گل زد؛ چراکه به‌دلیل درگیری با یکی از هواداران تیمش در جریان بازی و مشتی که به‌صورت او زد و همچنین چند رفتار غیرورزشی دیگر با بازیکنان حریف خیلی زود از این تیم جدا شد و یک سال بعد او به آرژانتین برگشت تا برای تالرس دی کوردوبا بازی کند.

## ایلی دومیترسکیو (استوا بخارست به تاتنهام، ۱۹۹۴)

دومیترسکیو رومانیایی چند هفته پس از پایان رقابت‌های جام جهانی ۹۴ آمریکا در ازای ۲٫۵ میلیون پوند راهی تاتنهام شد. او با تیم ملی کشورش در آن دوره شگفتی‌ساز شد و توانست تا مرحله یک چهارم نهایی این رقابت‌ها صعود کند. او در کنار نفراتی چون دارن اندرتون، نیکی بارمبی، یورگن کلینزمن و تدی شرینگهام جزء ۵ ستاره‌ای بود که اوسی اردیلس در آغاز فصل ۱۹۹۵-۱۹۹۴ خرید تا به‌عنوان مدعی وارد لیگ جزیره شود. البته این وینگر رومانیایی نتوانست خودش را در حد بازیکن بزرگی چون کلینزمن مطرح کند و نشان داد اگرچه در جام جهانی خوب بوده اما خرید موفقی برای این تیم لندنی نیست. اسپرز به‌قدری شروع بدی داشت که تنها چند هفته بعد از شروع لیگ، سرمربی آرژانتینی تیم برکنار شد. گری فرانسیس، جانشین آردیلس علاقه‌ای به بازی دمیترسکیو نداشت و او را قرضی به سویا فرستاد. سال بعد او دوباره به تاتنهام برگشت اما باز هم نمایش خوبی در ترکیب تیمش نداشت و فقط هشت بار برای این تیم در طول فصل بازی کرد. او در فوریه سال ۱۹۹۶ به وستهام پیوست اما در آنجا هم موفق نبود و در انتهای فصل از این تیم هم جدا شد.

## روبرت یارنی (بتیس به رئال مادرید، ۱۹۹۸)

کرواسی در جام جهانی ۱۹۹۸ یکی از تیم‌های خوب رقابت‌ها بود که تا نیمه‌نهایی هم رسید اما در نهایت به جایگاه سوم جهان دست پیدا کرد و در این تیم روبرت یارنی نقشی مهم ایفا کرد و در هر ۷ بازی کروات‌ها به میدان رفت. او به‌قدری خوب کار کرد که گوردون استراکان، سرمربی آن زمان کاونتری انگلیس به‌سرعت برای خریدش دست به کار شد و پیش از اینکه پیشنهاد رسمی رئال مادرید برای او برسد، این بازیکن را در ازای ۲٫۶ میلیون پوند به ترکیب تیمش اضافه کرد. البته مساله اصلی این بود که او هیچ‌گاه برای تیم استراکان به میدان نرفت؛ چراکه تنها یک ماه بعد رئال مادرید که سخت به‌دنبال خریدش بود بالاخره توانست این بازیکن را به‌خدمت بگیرد. البته این اتفاق اصلا برای کاونتری بد نشد؛ چراکه آنها او را ۳٫۴ میلیون پوند فروختند و سود کردند. شاید این تیم خوش‌شانس هم بود، چون یارنی اصلا در رئال نمایش خوبی نداشت و فقط یک سال بعد بود که به لاس پالماس فروخته شد.

## دنیلسون (سائوپائولو به بتیس، ۱۹۹۸)

این ستاره تکنیکی برزیلی در زمان خودش رکوردگران‌ترین بازیکن تاریخ فوتبال را با این انتقال شکست و بتیس انتظار داشت تا با کمک او بتواند هم در لالیگا موفق باشد و هم در سال‌های بعد او را گرانتر به تیم‌های مدعی بفروشد. دنیلسون در برزیل ۹۸ جزء ترکیب اصلی بود و درنهایت در این تورنمنت به مقام نایب قهرمانی رسید. او که ستاره‌ای جوان بود قرار بود به یک ستاره بزرگ تبدیل شود و بسیاری منتظر درخشش او پس از جام جهانی بودند، اما این تیم اسپانیایی که ۲۱٫۵ میلیون پوند برای خرید او پرداخته بود نتوانست استفاده لازم را از او ببرد. دنیلسون تلاش زیادی برای موفقیت تیمش کرد، اما عجیب اینکه در سال دوم این تیم به دسته پایین‌تر سقوط کرد و این بازیکن هم به‌صورت قرضی به تیم فلامنگو کشورش برگشت. بتیس در سال ۲۰۰۲ به لالیگا برگشت اما دنیلسون این بار بیشتر به‌عنوان بازیکن تعویضی راهی زمین می‌شد و اگرچه در جام جهانی ۲۰۰۲ نیز در فهرست سلسائو حضور داشت و فاتح جام جهانی شد، اما هرگز نتوانست در بتیس به بازیکنی که انتظارش را می‌رفت تبدیل شود.

## الحاجی دیوف (لانس به لیورپول، ۲۰۰۲)

در آن زمان لیورپولی‌ها بین خرید دو بازیکن مردد بودند: دیوف و نیکولاس آنلکا و درنهایت به سراغ بازیکن سنگالی رفتند. آنلکا در فصل قبلش به‌صورت قرضی در آنفیلد بازی کرد، اما درنهایت مدیران باشگاه تصمیم گرفتند قرارداد این ستاره فرانسوی را دائمی نکنند و به‌جای او دیوف را بخرند. آنلکا هم به پاریس رفت. سنگال در نخستین بازی خود در رقابت‌های جام جهانی با یک گل، فرانسه مدافع عنوان قهرمانی را شکست داد و شگفتی‌ساز این مسابقات لقب گرفت و فردای این بازی جراردهولیه، سرمربی لیورپول خرید دیوف که یکی از بهترین‌های تیمش در این بازی بود را رسما اعلام کرد. در این شرایط شاید نتوان خرید او را به عملکردش در جام جهانی ۲۰۰۲ ژاپن و کره جنوبی ربط داد، اما او به‌قدری در این تورنمنت خوب بود که هواداران قرمزها منتظر ورود یک ستاره به تیم‌شان بودند. البته درنهایت این اتفاق رخ نداد و او با حواشی زیادی در این تیم مواجه شد از جمله پرتاب آب دهان به یکی از هواداران سلتیک در جریان بازی دو تیم در لیگ قهرمانان. او در فصل اول برای تیمش ۶ گل زد، سال بعد هم اصلا گلی نزد تا اینکه درنهایت به بولتون فروخته شد.

## سلیف دیائو (سدان به لیورپول، ۲۰۰۲)

لیورپولی‌ها در آن سال به‌جز دیوف، یک خرید دیگر نیز از تیم سنگال داشتند که او هم نقش مهمی در رسیدن این تیم آفریقایی به یک چهارم نهایی آن دوره داشت. هولیه علاقه زیادی به بازی دیائو داشت و او را در ازای ۵ میلیون پوند خرید؛ چراکه توانایی بازی در چند پس از جمله هافبک دفاعی، دفاع میانی و کناری را داشت و می‌توانست به‌نوعی آچار فرانسه تیمش باشد. در سال ۲۰۰۴ وقتی بنیتس هدایت تیم را برعهده گرفت تلاش کرد او را در پست اصلی‌اش بازی دهد، اما اشتباهات زیاد این بازیکن درنهایت باعث انتقال قرضی‌اش به بیرمنگام در ژانویه همان فصل شد. او بعدها به پورتسموث و استوک‌سیتی قرض داده شد و در این دو تیم عملکرد نسبتا بهتری داشت.

## کلبرسون (اتلتیکو پارانائنزه به منچستریونایتد، ۲۰۰۳)

اگرچه او در سال ۲۰۰۳ با شیاطین سرخ قرارداد همکاری امضا کرد اما دلیل اصلی اینکه سر الکس فرگوسن این بازیکن برزیلی را خرید نمایش خوب او در جام جهانی ۲۰۰۲ بود. لوئیس فیلیپه اسکولاری، سرمربی آن زمان برزیل کلبرسون را موتور محرک تیمش در میانه میدان می‌دانست و به‌همین دلیل اتکای زیادی به این بازیکن داشت. فرگوسن هم تصور می‌کرد با خرید او می‌تواند خط میانی تیمش را مستحکم‌تر کند و حتی در مورد خرید او گفت: «یکی از دلایلی که با فروش خوان سباستین ورون موافقت کردیم این بود که با کلبرسون به توافق رسیدیم و او یک استعداد بسیار خوب است.» جالب اینکه او و رونالدو در یک زمان به هواداران معرفی شدند، اما دو مصدومیت سخت و نمایش نه‌چندان خوب که تنها ۲۰ بازی برای این هافبک برزیلی در ترکیب یونایتد را به‌دنبال داشت باعث شد دو سال بعد به بشیکتاش ترکیه فروخته شود. او بعدها به‌عنوان یکی از خریدهای ناموفق فرگوسن در یونایتد نام گرفت.

## آندرس ایساکسون (ارن به منچسترسیتی، ۲۰۰۶)

ایساکسون پس از اینکه در جام جهانی ۴ بازی خوب برای تیم ملی سوئد انجام داد با قراردادی به عضویت سیتی درآمد و قرار بود این تیم را برای موفقیت همراهی کند. سوئد با این بازیکن به دور حذفی جام جهانی رسید و البته در این مرحله برابر آلمان میزبان شکست خورد و از مسابقات کنار رفت. سیتی که در آن زمان به‌دنبال گلر بود، ایساکسون را در ازای ۲ میلیون پوند خرید تا جانشین دیوید جیمز شود. با این حال آبی‌های منچستر به‌هیچ‌عنوان از این خرید رضایت نداشتند و نتوانستند با او به توفیقی برسند. مصدومیت‌های پیاپی و نمایش نه‌چندان خوب باعث شد تا دسامبر او در ترکیب تیم قرار نگیرد و البته در مجموع آن فصل فقط ۱۴ بار برای سیتی بازی کرد.

## آساموا ژیان (ارن به ساندرلند، ۲۰۱۰)

ژیان یکی از چهره‌های مشهور جام جهانی ۲۰۱۰ بود که غنا با درخشش او به یک چهارم نهایی رسید و شگفتی‌ساز این دور از مسابقات لقب گرفت. همین روند خوب باعث شد ساندرلند برای خریدش دست به کار شود و این مهاجم که سه گل هم در جام جهانی زده بود را به ترکیب تیمش اضافه کند. ساندرلند برای خریدش ۱۳ میلیون پوند داد که در آن زمان گران‌ترین خرید تاریخ باشگاه محسوب می‌شد. استیو بروس که در آن فصل هدایت تیم را برعهده داشت او و دارن بنت را به‌عنوان زوج تهاجمی تیمش در ترکیب قرار داد اما او اصلا خوب کار نکرد و در پایان فصل به العین امارات قرض داده شد که در میانه‌های فصل بعد، این قرارداد دائمی شد تا ساندرلند سود چندانی از این خرید نداشته باشد.

## خامس رودریگز (موناکو به رئال مادرید، ۲۰۱۴)

بهترین گلزن جام جهانی ۲۰۱۴ که با ۶ گل زده یکی از ستاره‌های این تورنمنت بود خیلی زود مورد توجه رئال مادرید قرار گرفت و این تیم او را در همان تابستان به‌خدمت گرفت. گل زیبای خامس به اروگوئه عنوان بهترین گل سال را نیز به‌دست آورد و به‌نظر می‌رسید هافبکی خلاق در فوتبال دنیا ظهور کرده است. البته پیش‌تر او در موناکو عملکرد خوبی ارائه کرده بود و مورد توجه تیم‌های زیادی قرار داشت، اما وقتی در برزیل درخشید رئالی‌ها برای خریدش و پرداخت رقمی هنگفت برایش متقاعد شدند. او در نخستین فصل با رئال در ۲۹ بازی ۱۳ گل زد و نمایش قابل قبولی داشت، اما به‌تدریج فرم بد و مصدومیت‌ها باعث شد تا از ترکیب اصلی دور شده و به بایرن مونیخ و در ادامه اورتون قرض داده شود. او پس از دوران ناموفق در الریان قطر این روزها در المپیاکوس یونان بازی می‌کند.